



عصر درخشان فرهنگ ایرانی - اسلامی

• سهیلا شکری

■ فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان

■ محمدرضا ناجی

■ تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶، ۸۹۰ صفحه

سپس دو اصل حاکم بر ساختار حکومتی سامانیان در دوره استقلال را بررسی می‌کند. این دو اصل عبارتند از:

۱ - دین و دولت: مؤلف دربارهٔ روابط مسالمت‌آمیز این دو عنصر اساسی جامعهٔ سامانی سخن می‌گوید و مشروعیت حکومت سامانی را هم در همین روابط حسنه جست‌وجو می‌کند.

البته عوامل دیگری را نیز در این زمینه دخیل می‌داند.

۲ - روابط با خلافت بغداد: مؤلف اطاعت معنوی سامانیان از خلافت عباسیان را دلیل دیگری برای مشروعیت آنان نزد عامه می‌داند و فراز و نشیب‌های این روابط را بررسی می‌کند.^۴

در همین فصل، زیرعنوان ظهور نخستین موقعیت سیاسی خاندان سامانی در عصر حاکمیت طاهریان تصویر می‌شود.^۵ با عنوان دولت بخارا، تکاپوهای سیاسی و نظامی امیر اسماعیل سامانی را در نیل به حکومت مستقل تشریح می‌کند و تا زمان جانشینان امیر اسماعیل ادامه می‌دهد.^۶

فصل دوم؛ جغرافیای سیاسی قلمرو سامانیان: در این فصل مؤلف جغرافیای قلمرو سامانیان را به نقل از جغرافیایسنانی چون مقدسی و ابوزید بلخی ترسیم می‌کند. این قلمرو، که بسیار هم گسترده است، بخش بزرگی از شرق و شمال شرق ایران شامل: ماوراءالنهر و خراسان بزرگ را دربرمی‌گیرد. سپس تقسیم نواحی فوق به شهرها و بخش‌های مختلف را بیان می‌کند.^۷ شهر بخارا را از دیدگاه جغرافیای تاریخی و طبیعی به طور مستقل از ابتدای فتح آن توسط مسلمانان عرب تا زمان انتخاب به پایتختی سامانیان^۸ و نیز شهرهای مهم قلمرو سامانی را مانند گرگان، طبرستان، ری، جوزجان و... از منظر موقعیت جغرافیایی و مناسبات آنان با دولت‌های متقارن آل‌زیار و آل‌بویه

مؤلف در این پژوهش، به بررسی تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی در نواحی تابعهٔ حکومت سامانیان می‌پردازد. این پژوهش را می‌توان بررسی تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سرزمین‌های ماوراءالنهر و خراسان بزرگ به عنوان قلمرو اصلی حکومت سامانی قلمداد کرد.

کتاب شامل فهرست مطالب، مقدمه، اختصارات و نشانه‌ها، پیش‌گفتار، نه فصل و زیرمجموعه‌های آنهاست. بعد از آخرین فصل، بخش‌های نتیجه‌گیری، پیوست، آلبوم تصاویر، مآخذ و در فرجام، نمایه آمده است.

مؤلف در قسمت مقدمه آورده است که اثر حاضر رساله دکتری اوست و با انجام تغییراتی به شکل کتاب حاضر در آمده است. وی در پیش‌گفتار، نقش اسلام را در پیشرفت و اعتلای فرهنگ و تمدن جوامع بشری و به‌ویژه اجتماعات شهری قلمرو سامانی تشریح می‌کند.^۱

و اما فصل‌های نه‌گانه کتاب:

فصل اول؛ تاریخ سیاسی سامانیان، مؤلف، تاریخ سیاسی سامانیان را با یک نگاه بسیار اجمالی و به قول خویش گذرا، از زمان فرمان‌برداری آنان از حکومت طاهری تا زمان انقراضشان در سه صفحه و بدون ارجاع به مآخذ، آغاز می‌کند.^۲ سپس به بررسی خواستگاه و اصل‌ونسب خاندان سامانی می‌پردازد و دیدگاه‌ها برخی از مورخان متقدم اسلامی را بیان می‌کند.^۳ پس از آن، ساختار امارت سامانیان را بررسی و آن را از قول مورخان چون حمزه اصفهانی به دو دوره متمایز تقسیم می‌کند:

۱- دورهٔ تابعیت «تبعیت از طاهریان»

۲- دورهٔ استقلال



مؤلف در بخش تجارت ضمن این که رونق اقتصادی سامانیان را مدیون رشد تجارت این دوره تلقی می کند، درباره شهرها و مراکز تجاری سامانیان، شبکه های ارتباطی خراسان و ماوراءالنهر، بازرگانی خارجی سامانیان با چین، ترکستان و هند، روابط تجاری با اروپا و تجارت مطالب مفصلی بیان می کند

کارمندان، بیان جایگاه آنان در حکومت سامانی و معرفی برخی از متصدیان آن مانند ابونصر مشکان توجه دارد.^{۱۷}

۷- دیوان قضا: مؤلف توضیحاتی درباره ساختار تشکیلاتی قضا در خراسان و ماوراءالنهر ارائه می کند و از برخی قضات مشهور این دوره چون ابوبکر عبدالله بن محمد بستی نام می برد. سپس این دیوان را با سه عنصر موجود در آن یعنی قضا، مظالم و قاضیان به طور تکمیلی بررسی می کند.^{۱۸}

۸- دیوان حسبه: مؤلف واژه «حسبه» را از دیدگاه فقهی تعریف می کند و درباره جایگاه این دیوان در میان دیگر دستگاه های حکومتی سامانیان سخن می گوید و چند تن از محتسبان معروف را نام می برد.^{۱۹}

۹- دیوان اوقاف: پس از بررسی جایگاه «وقف» از دیدگاه فقهی، اقدامات امیر اسماعیل سامانی در ترویج سنت وقف در قلمرو سامانی را بیان و سپس برخی از وقف کنندگان حکومتی و شخصی را با ذکر اموال و املاک وقفی معرفی می کند.^{۲۰}

۱۰- دیوان سپاه: مؤلف در معرفی این دیوان از دفتری به نام «جریده سوداء» نام می برد. از شیوه های سه گانه پرداخت مواجب و حقوق سپاهیان سخن می گوید و پس از توضیح اصطلاحات رایج در این دیوان، به زیرمجموعه های این دیوان مانند عرض، سپهسالاری، سازمان سپاه، روش های رزم و... می پردازد.^{۲۱}

۱۱- دیوان مملکه خاص: مؤلف این دیوان را اختصاصی املاک شخصی امیران سامانی ذکر می کند و برخی از املاک، کاخ ها و بوستان های خصوصی این امیران را بر می شمارد.^{۲۲}

۱۲- دیوان آب: از رود «مرغاب» به عنوان منبع اصلی

بررسی می کند.^۹

فصل سوم؛ دیوان سالاری و تشکیلات اداری: مؤلف با استناد به منابع، تشکیلات اداری سامانیان را به دو بخش دربار و دیوان تقسیم می کند.^{۱۰} وی در توصیف تشکیلات و تشریفات حاکم بر دربار به موارد ذیل توجه دارد: آداب و رسوم درباری چون بار عام و خاص، پذیرایی از سفرای خارجی، کارمندان و مقامات شاغل در دربار از غلامان تا حاجبان با ذکر وظایف آنان.^{۱۱}

معرفی دیوان های ۱۲ گانه سامانیان به ترتیب ذیل می آید:
۱- **دیوان وزارت:** در بررسی این دیوان، به وزرای معروف دولت سامانی با ذکر چالش های وزارتشان اشاره می کند و در کنار آنان برخی از وزیران حکومت های محلی را نیز نام می برد.^{۱۲}

۲- **دیوان خراج:** پس از توضیح درباره نام سابق این دیوان، دیوانیان شاغل در این دیوان را با ذکر مناصبشان معرفی می کند و اصطلاحات رایج در این دیوان چون بندار را توضیح می دهد. سپس درباره دیگر منابع مالی دولت سامانی، مانند عوارض راهداری و خمس سخن می گوید.^{۱۳}

۳- **دیوان اشرف:** با ارائه تعریف لغوی از واژه «اشرف»، وظیفه این دیوان را بیان می کند.^{۱۴}

۴- **دیوان رسایل:** مؤلف پس از ذکر وظایف آن، معروف ترین متولیان این دیوان در حکومت سامانی را نام می برد و سپس مهارت های فنی دبیران شاغل در این دیوان را تبیین می کند.^{۱۵}

۵- **دیوان شرطه:** مؤلف پس از تبیین این دیوان در حکومت سامانی، اصطلاحات رایج در آن چون صاحب معونه و احداث را توضیح می دهد.^{۱۶}

۶- **دیوان برید:** در معرفی این دیوان به ذکر وظایف

آبیاری زمین‌های کشاورزی ماوراءالنهر نام می‌برد و از مکان استقرار تشکیلات دیوان آب یعنی شهر مرو و چگونگی آبیاری این منطقه سخن می‌گوید.^{۲۳}

فصل چهارم؛ وضع اجتماعی: مؤلف در بررسی وضعیت اجتماعی قلمرو سامانی به مباحث ذیل توجه دارد:

خاندان‌های قدیمی ایرانی: از این خاندان‌ها با عنوان «اهل بیوتات» یاد می‌کند و به توصیف وضعیت طبقه دهقانان به عنوان بارزترین مظهر «اهل بیوتات» می‌پردازد. **ترک‌ها، عرب‌ها و کردها:** درباره این اقوام به عنوان ساکنان غیربومی و مناسبات آنان با حکومت سامانی به بحث و نقادی می‌پردازد. **آداب و آیین‌ها:** از میراث کهن ایرانی چون جشن‌های نوروز و مهرگان سخن می‌گوید. سرگرمی‌های رایج دربار سامانی و خصوصیات اخلاقی مردم بخارا مطالب فراوانی بیان می‌کند.^{۲۴} **خوراک و پوشاک:** مردم قلمرو سامانی از دیگر توجیحات مؤلف در عرصه زندگی اجتماعی این دوره است.^{۲۵}

فصل پنجم؛ زندگی اقتصادی: پس از توصیف رونق اقتصادی در قلمرو سامانی، بخش‌های توسعه‌یافته اقتصادی این حکومت شامل تجارت، کشاورزی، دامپروری، معادن، بازار و پول را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این جا به برخی از محورهای توسعه یافته بخش‌های فوق اشاره می‌کنیم:

مؤلف در بخش تجارت ضمن این که رونق اقتصادی سامانیان را مدیون رشد تجارت این دوره تلقی می‌کند، درباره شهرها و مراکز تجاری سامانیان، شبکه‌های ارتباطی خراسان و ماوراءالنهر، بازرگانی خارجی سامانیان با چین، ترکستان و هند، روابط تجاری با اروپا و تجارت مطالب مفصلی بیان می‌کند.^{۲۶} مؤلف در بخش **کشاورزی**، پس از توصیف دلایل آبادانی قلمرو سامانی «ماوراءالنهر و خراسان»، درباره محصولات کشاورزی این نواحی و رودهای مهم در آبیاری زمین‌های کشاورزی و احداث کارخانه‌ها و صنایع مرتبط با محصولات کشاورزی چون روغن‌کشی از کنجد و دیگر دانه‌های روغنی با ذکر شهرهایی که این کارخانه‌ها در آن مستقر هستند، به بحث می‌پردازد.^{۲۷} در بخش **دامپروری** نیز به توصیف پیشرفت این دوره می‌پردازد و ضمن برشمردن محصولات دامی این نواحی، صنایع مرتبط با محصولات دامی چون ساخت کفش و کمر بند چرمی و ... را نام می‌برد.^{۲۸} در بخش **معادن** نیز از فراوانی معادن مختلف، روش‌های تبدیل فلزات، بهره‌برداری سامانیان از علم کیمیا در تحصیل فلزات نقره و سرب و فنون پیشرفته معدن‌شناسی مطالب قابل توجهی ارائه می‌دهد.^{۲۹} در بخش **بازار** نیز از محل استقرار بازار در جوار مساجد، ساختار بازار، اصناف و مراکز تولیدی و خدماتی در آن سخن می‌گوید و در ذکر موارد فوق به شهرهای بزرگ سامانی چون سمرقند و بخارا نظر دارد.^{۳۰} در زمینه **پول** از درهم‌های رایج در شهرهای سامانی و عیارها و

دارالضرب‌های معروف آن و نیز از رواج پول‌های کاغذی چون چک و سفته گزارش می‌دهد.^{۳۱}

فصل ششم؛ معماری و هنر: مبحث اصلی مؤلف در این فصل، شهرسازی است. وی تصویری کلی از بخش‌های مهم شهرهای بزرگ مانند مساجد جامع، خیابان‌ها، حمام‌ها، مراکز آب‌رسانی و... ارائه می‌دهد.^{۳۲} وی شهر بخارا را به‌طور مفصل از دیدگاه معماری و شهرسازی توصیف می‌کند.^{۳۳} مؤلف این مبحث را با تشریح معماری ساختمان‌های مشهدها، آرامگاه امیر

پس از توصیف رونق اقتصادی در قلمرو سامانی، بخش‌های توسعه‌یافته اقتصادی این حکومت شامل تجارت، کشاورزی، دامپروری، معادن، بازار و پول بررسی می‌شود

اسماعیل سامانی و سایر بناها ادامه می‌دهد.^{۳۴} هنرهای دستی و صنایع نیز از دیگر نکات قابل توجه در این پژوهش است. مؤلف از هنرهای صنعتی نظیر سفالگری، فلزکاری، شیشه‌گری، نساجی، تندیس‌گری، کاغذسازی و خوشنویسی همراه با ویژگی‌های بارز و نقاط عطفشان مطالب فراوانی بیان می‌کند.^{۳۵}

فصل هفتم؛ ادیان و فرق: مؤلف ابتدا از تساهل مذهبی امرای سامانی با وابستگان فرقه‌ها و نحله‌های مختلف اسلامی و حتی غیراسلامی سخن می‌گوید و سپس از وجود پیروان برخی از ادیان ایرانی پیش از اسلام چون بودایی، یهودی، مسیحی، مرقونیه، دیسانیه، زردشتی، مانویه و... گزارش می‌دهد. وی از مراکز زندگی بقایای این ادیان، مراسم و عادات ادیان اجتماعی و تعاملات آنان با جامعه اسلامی و بالعکس مطالب قابل توجهی مطرح می‌کند.^{۳۶} مؤلف از شیعیان به عنوان یکی از مذاهب مهم اسلام سخن می‌گوید و فرقه اسماعیلیه را به‌طور مفصل و از زوایای مختلف چون گرایش برخی از بزرگان سامانی به این فرقه، بررسی می‌کند.^{۳۷} وی در ادامه بحث ادیان و فرق، فرقه‌های خوارج، جهمیه و کیالیه را بررسی می‌کند.^{۳۸}

فصل هشتم؛ آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی: مؤلف پس از بیان ارزش علم‌آموزی در دین اسلام، از حمایت امرای سامانی در گسترش علم و دانش در قلمرو خویش می‌گوید.^{۳۹} وی با تبیین محورهای ذیل، چگونگی آموزش کودکان و نوجوانان را در این دوره به تصویر می‌کشد: تعلیم خط، مربیان و مؤدیان، آداب تعلیم و تعلم، برنامه آموزشی، جایگاه استادان و دانشمندان، زنان عالم و روش‌های آموزشی.^{۴۰} مؤلف به نهادهای آموزشی در این دوره چون مساجد جامع، مدارس، خانه‌ها، خانقاه‌ها،

کتابخانه‌ها و صفحه‌ها اشاره می‌کند؛ وی در بررسی هر یک از محورهای فوق، به شهرهای مهم سامانی مانند بخارا، سمرقند، غزنه، بوزجان و... نظر دارد^{۴۱}.

فصل نهم؛ علوم رایج در قلمرو سامانی: مؤلف در این فصل ابتدا از طبقه‌بندی علوم برای اولین بار در زمان سامانیان و به همت دانشمندانی چون ابن فریغون و خوارزمی می‌گوید^{۴۲}. سپس، علوم رایج این دوره را بر می‌شمارد:

علوم شرعی؛ وی در بررسی این علوم به شاخه‌های متعدد آن چون قرائت، تفسیر، حدیث، فقه و کلام می‌پردازد و در توضیح هر یک از شعبات علوم شرعی، پیش‌گامان و بزرگان آن را نام می‌برد و تأثیرات آن‌ها را بر روند پیشرفت آن علم بررسی و مهم‌ترین تصنیفات و تألیفات آنان را معرفی می‌کند^{۴۳}.

اخلاق؛ در بررسی این علم، ابتدا آن را تعریف آن می‌کند و با گریزی به دوره باستان، آثار مکتوب پهلوی در زمینه اخلاق را می‌شناساند. وی در تفهیم این علم، به عنصر حاکم بر آن، یعنی وعظ و ارشاد اشاره دارد و در ادامه از دو مقوله اخلاق فلسفی و اخلاق عرفانی سخن می‌گوید^{۴۴}.

عرفان و تصوف؛ مهم‌ترین مکتب خراسانی موجود در این شاخه، با نام ملامتیه، بررسی می‌شود و ضمن معرفی مشایخ آن، تأثیرات آن بر دیگر نحله‌های عرفانی تشریح می‌شود^{۴۵}.

علوم عقلی؛ مهم‌ترین علوم عقلی مطرح در این فصل عبارتند از: فلسفه، ریاضیات، سیاست، جغرافیا، کمیا، گوهرشناسی، جانورشناسی، آثار علوی «بررسی پدیده‌های جوی»، موسیقی، تاریخی، ادبیات و زبان و ادب عربی^{۴۶}.

مؤلف در تفسیر هر یک از علوم فوق، به نکات ذیل اهتمام نشان می‌دهد: معرفی اولین اساتید و دانشمندان فعال در آن، طرح موضوعات آن علم، تقسیم‌بندی آن علم به شعبات متعدد و تبیین هر یک از آن شعبه‌های و برشمردن مهم‌ترین آثار تصنیفی در آن علوم^{۴۷}. مؤلف در قسمت نتیجه‌گیری، ضمن تمجید رشد و شکوفایی فرهنگی در قلمرو سامانی، اسباب و عوامل این اعتلای فرهنگی را برمی‌شمارد^{۴۸}.

پی‌نوشت‌ها:

۸. همان؛ صص ۹۹-۱۰۱.
۹. همان؛ صص ۱۰۱-۱۵۰.
۱۰. همان؛ ص ۱۵۷.
۱۱. همان؛ صص ۱۶۱-۱۷۲.
۱۲. همان؛ صص ۱۷۲-۲۰۰.
۱۳. همان؛ صص ۲۰۰-۲۱۹.
۱۴. همان؛ ص ۲۱۹.
۱۵. همان؛ صص ۲۲۰-۲۲۳.
۱۶. همان؛ صص ۲۲۳-۲۲۸.
۱۷. همان؛ صص ۲۲۸-۲۳۱.
۱۸. همان؛ صص ۲۳۱-۲۴۴.
۱۹. همان؛ صص ۲۴۴-۲۴۵.
۲۰. همان؛ صص ۲۴۵-۲۴۹.
۲۱. همان؛ صص ۲۴۹-۲۸۳.
۲۲. همان؛ صص ۲۸۳-۲۸۴.
۲۳. همان؛ صص ۲۸۴-۲۸۷.
۲۴. همان؛ صص ۲۸۷-۲۹۴.
۲۵. همان؛ صص ۳۰۴-۳۰۷.
۲۶. همان؛ صص ۳۱۱-۳۳۱.
۲۷. همان؛ صص ۳۳۴-۳۴۸.
۲۸. همان؛ صص ۳۳۴-۳۵۰.
۲۹. همان؛ صص ۳۵۰-۳۵۳.
۳۰. همان؛ صص ۳۵۳-۳۵۸.
۳۱. همان؛ صص ۳۵۸-۳۶۵.
۳۲. همان؛ صص ۳۶۵-۳۷۳.
۳۳. همان؛ صص ۳۷۳-۴۰۰.
۳۴. همان؛ صص ۳۸۱-۴۰۰.
۳۵. همان؛ صص ۴۰۰-۴۴۸.
۳۶. همان؛ صص ۴۲۷-۴۴۸.
۳۷. همان؛ صص ۴۴۸-۴۶۷.
۳۸. همان؛ صص ۴۶۷-۴۷۲.
۳۹. همان؛ صص ۴۷۵-۴۷۸.
۴۰. همان؛ صص ۴۷۸-۴۹۷.
۴۱. همان؛ صص ۴۹۸-۵۲۳.
۴۲. همان؛ صص ۵۲۳-۵۳۰.
۴۳. همان؛ صص ۵۳۰-۵۸۴.
۴۴. همان؛ صص ۵۸۴-۵۹۱.
۴۵. همان؛ صص ۵۹۱-۶۱۴.
۴۶. همان؛ صص ۶۱۴-۷۲۹.
۴۷. همان.
۴۸. همان؛ صص ۷۲۹-۷۳۱.

۱. ناجی، محمدرضا؛ فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان؛ تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶؛ صص ۲۱-۱۹.
۲. همان؛ صص ۲۶-۲۳.
۳. همان؛ صص ۲۹-۲۶.
۴. همان؛ صص ۴۱-۲۹.
۵. همان؛ صص ۴۱-۴۶.
۶. همان؛ صص ۴۶-۹۲.
۷. همان؛ صص ۹۷-۹۹.